روزنامه طلوع

تاریخ ۶ مرداد ۱۳۹۸ یکشنبه

صفحه ۲

شماره ۲۵۷۲

سال بیست‌وپنجم

اخبار

احمد توکلی:

مدیران ایران‌خودرو و سایپا باج می‌دهند تا بمانند

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام خاطرنشان کرد: گاهی برخی از نمایندگان یک لیستی از افراد برای استخدام در شرکت‌های خودروسازی می‌دهند و این افراد اطاعت می‌کنند. پایگاه خبری خط بازار نوشت: عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به اینکه افرادی که ایران‌خودرو و سایپا را اداره می‌کنند افراد تازه به دوران رسیده نیستند، گفت: روش این افراد این است که باج می‌دهند تا بمانند. احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به این سؤال که آیا مشکل صنعت خودرو با روی کار آمدن مدیران کارآمد حل خواهد شد یا نه گفت: صنعت خودرو کشور ایراد ساختاری دارد چراکه برخی خودروسازی را محل روزی خود می‌دانند. وی بابیان اینکه برخی از نمایندگان درخواست‌های استخدامی در صنعت خودرو دارند، گفت: این افراد برای باقی ماندن در قدرت تابع خواست نمایندگان می‌شوند. توکلی با اشاره به اینکه افرادی که ایران‌خودرو و سایپا اداره می‌کنند افراد تازه به دوران رسیده نیستند، گفت: روش این افراد این است که باج می‌دهند تا بمانند. این افراد باج را به نمایندگان مجلس فرصت‌طلب، رانت‌خوار و زیاده خواهد می‌دهند.

تحلیل خبر

گروه تحلیل خبر روزنامه طلوع

یادداشت روز

پشت پرده پیشنهاد پمپئو برای سفر به ایران

اخیراً پمپئو وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد که حاضر است برای مذاکره به ایران بیاید. قبلاً هم ترامپ شبیه همین حرف را زده بود و گفته بود حاضر است بدون هیچ قید و شرطی در هر مکانی لازم باشد با مسئولین ایران مذاکره کند. حتماً می‌گویید چرا این‌ها، این‌طور مشتاق مذاکره با ایران هستند؟ شاید هم بعضی بگویند چرا این‌ها، غرور خودشان را زیر پا می‌گذارند و اعلام مذاکره با ایران می‌کنند؟ آیا این رفتارها به معنای ضعف و شکست آنها نیست؟ آیا ما نباید خوشحال باشیم که آنها به التماس افتاده‌اند و خواهان مذاکره با ما هستند؟ البته اگر کسی کمی با دنیای دیپلماسی و علوم سیاسی و روابط بین‌الملل آشنایی داشته باشد نه‌فقط این‌طور فکر نمی‌کند بلکه کاملاً برعکس می‌اندیشد.

در دنیای دیپلماسی کسانی که خود را مشتاق مذاکره و دیالوگ نشان می‌دهند، اولاً می‌خواهند نشان دهند که با دست پر، حرف برای زدن دارند. ثانیاً دنبال کسب وجهه و ارتقای جایگاه بین‌المللی خویش هستند. ثالثاً توپ را به زمین طرف مقابل می‌اندازند تا او را به عکس‌العمل وادار کنند. رابعاً به مردم جهان و نهادهای بین‌المللی می‌خواهند بگویند همه راه‌های مسالمت‌آمیز را طی کردیم و نشد و نهایتاً راهی جز توسل به‌زور و جنگ باقی نمانده بود. خامساً... اینجاست که ما را در یک تصمیم‌گیری سخت قرار می‌دهند؛ به‌طوری که اگر مذاکره کنیم نتیجه‌اش چیزی مانند برجام یا توافق کره شمالی یا توافق کوبا با آمریکا می‌شود که نیمه‌کاره، دوباره آنها را به تحریم کشاندند و اگر مذاکره نکنیم و جنگ را آغاز کنند نتیجه‌اش همانند سوریه، افغانستان و عراق یا لیبی می‌شود. امروز ایران در شرایط سختی قرار دارد؛ به نظر می‌رسد مسئولان کشور همزمان برای خنثی کردن این فضای خطرناک در دو جبهه وارد عمل شده‌اند: در جبهه نظامی با توقیف نفت‌کش انگلیس و زدن پهباد آمریکایی و در جبهه دیپلماسی با فعالیت شبانه‌روزی دیپلماتیک دکتر ظریف در خارج مرزها و خصوصاً در آمریکا و مصاحبه‌های پی‌درپی با رسانه‌های غربی.

اینکه پمپئو وزیر خارجه آمریکا گفته، «آقای ظریف از فضای آزاد رسانه‌های آمریکا برای تبلیغات خود استفاده می‌کند اما من حرف تبلیغاتی نخواهم زد بلکه حقایق را به مردم ایران خواهم گفت» در درون این سخن چند پیام نهفته است.

اول اینکه می‌خواهد بگوید رسانه‌های آمریکا آزادی کامل دارند و سخنان ظریف را در خاک آمریکا علیه آمریکا پوشش می‌دهند. دوم اینکه با اعلام اشتیاقش به سفر به ایران می‌خواهد همان کاری که ظریف در آمریکا می‌کند، وی با آمدنش به ایران بکند. در اینجا یا رسانه‌های ایران آزادانه حرف‌هایش را منتشر خواهند کرد که وی به مقصودش که پیام‌رسانی مستقیم به مردم ایران است خواهد رسید یا رسانه‌های ما سخنان وی را سانسور کرده و یا منتشر نخواهند کرد که به جهان خواهد گفت رسانه‌های ایران، آزادی عمل ندارند. درهرصورت کشور ما در یک جنگ تمام‌عیار دیپلماسی و اقتصادی و در آستانه ورود به یک فضای جنگی است و مسئولان باید خیلی هوشمندانه و محتاطانه و حساب شده قدم بردارند.

تابش مطرح کرد؛

احتمال کاهش قیمت دلار تا ۱۰ هزار تومان

یک عضو شورای پول و اعتبار با تشریح دلایل کاهش قیمت ارز در بازار آزاد درعین‌حال گفت که اگر شرایط عادی شود احتمال کاهش قیمت دلار تا ۱۰ هزار تومان وجود خواهد داشت.

محمدرضا تابش در گفت‌وگو با ایسنا درباره دلایل کاهش نرخ ارز در بازار آزاد گفت: مجموعه سیاست‌هایی که با تدابیر سیاست‌های سران سه قوه اتخاذشده و نقش همتی و معاونین وی که طرح نویی را درانداختند و سرعت عملی که در تصمیمات ستاد هماهنگی اقتصادی سران سه قوه وجود داشته باعث شد علی‌رغم تنگناها و محدودیت‌ها و کاهش صادرات نفت، سیاست‌ها درخصوص ارز موفق واقع شود و ثباتی در نرخ ارزهای خارجی خصوصاً دلار ایجاد شود.

وی ادامه داد: تصمیم‌گیری مهم بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار این بود که نخواستند قیمت غیرواقعی و کاذب برای دلار تعیین کنند؛ بنابراین کم‌کم ارز نیمایی به قیمت ارز آزاد نزدیک شد و قیمت‌گذاری ارز آزاد هم مبتنی بر سازوکارهای بازار یعنی عرضه و تقاضا شد. نماینده مردم اردکان در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: یکی از علل دیگر کاهش نرخ ارز، محدود شدن تقاضاست ضمن این‌که با بخش‌نامه‌های صادره، فراخوان‌ها و آموزش‌هایی که دادند کارآفرینان روش استفاده از ارز نیمایی را یاد گرفتند و واردکنندگان نیازشان را از این طریق تهیه می‌کنند. نکته مهم دیگر این است که صادرکنندگان ارزشان را به بانک مرکزی برگرداندند.

این عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس شورای اسلامی تعامل با بانک‌های خارجی مثل هند، چین و عراق را در تسهیل انتقال ارز در قبال خرید کالا اثرگذار دانست و

افزود: همچنین پوزها شناسه‌دار و ساماندهی شد و این‌طور نیست که پوز را به سلیمانیه یا هرات ببرند در آنجا کارت بکشند و قیمت دلار در خارج از کشور تعیین شود.

وی همچنین گفت: پیش‌ازاین امکان کنترل انتقال پول‌های کثیف و مبارزه با پولشویی وجود نداشت زیرا قبلاً چک‌های تضمینی پشت‌نویسی می‌شد اما حالا به اسم صادرکننده است و الان این کنترل‌ها بیشتر شده است. همچنین انتقال وجه از کارت الکترونیکی نیز محدود شده است که در شرایط جدید بازار اثرگذار است.

تابش خاطرنشان کرد: مجموع این سیاست‌ها و سرعت عمل در اتخاذ تصمیم در ستاد هماهنگی سه قوه در شرایط جنگ اقتصادی باعث شد قیمت دلار به ثبات نسبی برسد. موضع‌گیری‌های سیاسی هم در این رابطه اثرگذار بود. هم رهبری تأکید کردند که از منافع ملی دفاع می‌کنیم و خواهان جنگ نیستیم و هم ترامپ گفت نمی‌خواهیم با ایران وارد جنگ شویم. مجموع این تصمیم‌گیری‌ها مدیریت اقتصادی و سیاسی بازار ارز را به ثباتی رساند که امیدواریم این وضعیت به همین شکل ادامه یابد.

وی در پایان گفت: هرکدام از این مؤلفه‌ها که دستخوش تغییر شود ممکن است در قیمت ارزهای خارجی هم نوساناتی اتفاق بیفتد اما اگر شرایط عادی شود دلار تا حدود ۱۰ هزار تومان کاهش پیدا خواهد کرد.

پشت پرده پیشنهاد پمپئو برای سفر به ایران

پمپئو وزیر خارجه آمریکا: «آقای ظریف از فضای آزاد رسانه‌های آمریکا برای «تبلیغات» خود استفاده می‌کند؛ اما من حرف تبلیغاتی نخواهم زد بلکه حقایق را به مردم ایران خواهم گفت.»

این هفته محمدجواد ظریف در جلسات هیئت دولت غایب بود و باسیاست خارجی به پل‌سازی‌های جهانی و منطقه‌ای مشغول بود.

به گزارش ایسنا، علی ربیعی سخنگوی دولت در ادامه یادداشتش در روزنامه ایران نوشت: بدون تردید این روزها اثرگذاری زیادی بر تاریخ و آینده ایران دارد. هیچ دوره‌ای این‌چنین بی‌محابا مردم ایران را هدف‌گیری و بر جدایی ملت -دولت در داخل و ایران- جهان در خارج تمرکز نکرده بودند؛ بنابراین بخش اعظم بحث دولت پیرامون افزایش مقاومت مدنی و تاب‌آوری اجتماعی باوجود همه مشکلات تحریم، ایجاد محیط آرامش در داخل و همزمان جنگیدن با تحریم و انزوا و فشار در خارج پرداخته می‌شود. همه ما در دولت می‌اندیشیم ایران مهم‌ترین مسئله ماست.

«مریم سالاری» در تحلیلی در روزنامه «ایران» علت کروکی‌کشی پمپئو برای ظریف را به‌درستی به هراس آمریکا از ضریب نفوذ او مرتبط دانسته و از عرصه‌ای نوشته بود که: «ظریف در آن با بهره‌گیری از دانش زبانی بالا، ذهن تحلیلی و موشکافانه، تسلط اطلاعاتی و نحوه تعامل با رسانه‌ها کوشیده در زمانه بد در جای خوب قرار بگیرد و به بیان واقعیات مسلم تحولات میان ایران و امریکا به زبان قابل‌فهم برای افکار عمومی بپردازد.» ظریف نشان داد که برای اعمال مهارت گفتاری و ارتباطی خود به چیزی بیش از یک «جاپا» در خاک امریکا نیاز ندارد و کروکی‌کشی آمریکایی به دور دیپلماسی ایرانی به نتایج پیش‌بینی شده خود منجر نشده است. این را می‌توان از تازه‌ترین واکنش پمپئو دریافت که در مصاحبه با بلومبرگ خواهان فرصتی مشابه با ظریف یعنی سفر به ایران وبیان «حقایق» به مردم کشورمان شده است. او سخنان ظریف را در ردیف «پروپاگاندا» توصیف کرده: «آقای ظریف از فضای آزاد رسانه‌های آمریکا برای «تبلیغات» خود استفاده می‌کند؛ اما من حرف تبلیغاتی نخواهم زد بلکه حقایق را به مردم ایران خواهم گفت.»

صورت‌بندی «پروپاگاندا-حقایق» توسط پمپئو نشان می‌دهد که ظریف بازی رفت را برده است و حریف تنها راه تلافی شکست را در بازی برگشت در تهران می‌داند. این‌یک اعتراف آشکار است به توان ظریف در ساختارشکنی آن مرزکشی ۸۰۰ متری و تبدیل همان «سه ساختمان کروکی‌کشی شده» به یک سکوی پرش به‌کل آمریکا و ارتباط‌گیری با افکار عمومی مردم آن کشور.

تحلیل این خبر را در ستون سمت راست بخوانید

نماینده تهران مطرح کرد؛

جزئیات جلسه امروز رسیدگی به اتهامات محمود صادقی

ادامه رسیدگی به جلسه بعد موکول شد

نماینده مردم تهران درباره جلسه خود در دادگاه کیفری کارکنان دولت گفت: با توجه به تعدد شکایت‌ها ادامه رسیدگی به پرونده به جلسه بعد موکول شد.

محمود صادقی در گفت‌وگو با خبرنگار سیاسی ایلنا، درباره برگزاری اولین جلسه دادگاهش در دادگاه کیفری کارکنان دولت گفت: جلسه دادگاه در شعبه ۱۰۵۷ کیفری دو کارکنان دولت به ریاست قاضی عالی‌شاه و با حضور نماینده دادستان و شکات برگزار شد. این عضو فراکسیون امید مجلس گفت: با توجه به تعدد شکایت‌ها ادامه رسیدگی به جلسه بعد موکول شد. نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: رئیس دادگاه در ابتدای جلسه اعلام کرد جلسه علنی است ولی مفاد جلسه نباید اطلاع‌رسانی شود و هرگونه اطلاع‌رسانی را در صورت لزوم دادگاه انجام خواهد داد. محمود صادقی چهارشنبه هفته پیش در صفحه توئیتر خود نوشت: شنبه آینده جلسه رسیدگی به کیفرخواست صادره علیه این‌جانب در دادگاه کیفری کارکنان دولت برگزار خواهد شد؛

۱۵ عنوان اتهامی شامل ۱۳ عنوان اعلام‌جرم از طرف دادستان و دادیار جانشین دادسرای فرهنگ و رسانه تهران، دادستان شیراز، سازمان زندان‌ها، شکایت تعدادی از بورسیه‌ها و یک شاکی خصوصی.»

عباس عبدی:

مجلس شده است محل نشستن و گلابی خوردن!

عباس عبدی گفت: مجلس در لغت به معنای محل نشستن است، به نظر می‌رسد که کم‌کم وظیفه اصلی نمایندگان همان نشستن روی صندلی‌های نرم و احیاناً نوش جان کردن گلابی است!

رویداد۲۴: عباس عبدی نوشت: دو اقدام زیر را در سالی شاهدیم که انتخابات مجلس قرار است برگزار شود. در اولین اقدام طی نامه رسمی به سرپرست دادگاه‌های تجدیدنظر اعلام‌شده است: «همان‌گونه که در جلسه مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۹ در جمع همکاران محترم قضایی اعلام شد، در پی استجازه ریاست محترم قوه قضاییه از رهبری مدظله‌العالی، معظم‌له با پیشنهاد حذف موقت تشریفات ماده ۴۵۰ آیین دادرسی کشوری تا زمان بازنگری و اصلاح قانون در مجلس موافقت فرمودند.» این بخش از ماده ۴۵۰ مربوط به حضور طرفین دعوا در دادگاه تجدیدنظر در موارد خاص است که به نظر دستگاه قضایی اجرای آن موجب طولانی شدن دادرسی می‌شود؛ لذا با این اقدام آن را موقتاً لغو کرده‌اند.

خبر دوم هم مربوط به تشکیل وزارت بازرگانی در قالبی جدید است. «وزیر صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد که در پی مصوبه سران قوا، شرکت بازرگانی دولتی (GTC) از وزارت جهاد کشاورزی به وزارت صمت منتقل شد. رئیس‌جمهور هم در جلسه هیئت دولت گفتند که مقام معظم رهبری این مصوبه را تنفیذ فرمودند؛ با این اقدام دوباره امورات بازرگانی مثل سابق در کشور متمرکز می‌شود.»

دو گونه می‌توان به این مسئله نگاه کرد؛ اول نگاه محتوایی است. آیا حذف تشریفات ماده ۴۵۰ آ. د. ک. اصولاً صحیح است یا خیر؟ آیا جدا شدن وزارت بازرگانی از وزارت صنعت، معدن و تجارت صحیح است یا خیر؟ هر دو مورد امری کارشناسی است و باید در جلسات کارشناسی موردبحث قرار گیرد. برای نمونه اگر بخواهیم تشریفات مذکور را حذف کنیم، باید بررسی کرد و دید که با بودن این تشریفات بر اعتبار و دقت احکام صادره چقدر افزوده و در عوض از سرعت دادرسی چقدر کاسته شده است. این بررسی نیازمند مطالعه دقیق تعداد لازمی از پرونده‌ها است و کار چندان سختی هم نیست. البته در این مورد حتماً باید دلایل قوی آورد، چون در جهت محدود کردن حقوق متهم است.

به‌علاوه بر اساس اصل استصحاب این قانون فعلاً موجود است، لغو آن دلیل قوی می‌خواهد. در مورد وزارت بازرگانی نیز باید گزارش دقیقی از مقایسه دوره‌ای که وزارت

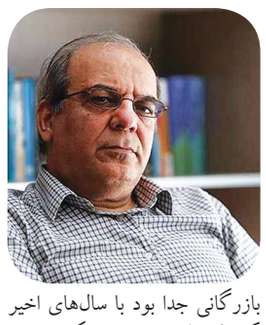

بازرگانی جدا بود با سال‌های اخیر که با وزارت صنعت یکی بود و علل برتری هرکدام ارائه شود.

درهرحال در هیچ‌یک از دو مورد گزارش محتوایی در دفاع از این دو تصمیم مشاهده نمی‌کنیم یا حداقل اینکه منتشرنشده تا علاقه‌مندان مطلع شوند. ولی بحث اصلی این یادداشت نقد شکلی این دو کار است. هر دو کار را علی‌القاعده مجلس باید تصویب کند.

نادیده گرفتن مجلس با این انگیزه که مراحل رسیدگی در مجلس طولانی می‌شود و حتی معلوم نیست سرنوشت آنچه می‌شود، کار صحیحی نیست، زیرا اعتبار و قوام مجلس را از میان می‌برد. اگر دلایل و مستندات کافی برای انجام این دو کار باشد و فوریت آن نیز قابل‌قبول باشد، چرا در مجلس انجام نمی‌شود؟ از سه حال خارج نیست؛ یا آنکه مستندات قوی نیست، یا آنکه فوریت ندارد که در این دو صورت نباید اجازه گرفته می‌شد، یا آنکه نهادهای ذی‌ربط قادر به تفاهم و همکاری با یکدیگر نیستند. اگر این دو مسئله برای گردش امور مردم و جامعه و اقتصاد و دو قوه قضاییه و مجریه مهم است، به‌طریق‌اولی باید برای قوه مقننه نیز مهم و دارای اولویت باشد.

این اندازه از عدم تعامل میان قوا نشان می‌دهد که یک جای کار گیر دارد و با این دور زدن‌ها نیز مشکل حل نخواهد شد؛ به‌عبارت‌دیگر این قوا در تمامی امور با یکدیگر چنین مشکلی را دارند و درنتیجه همه کارها دچار اختلال شده است.

هر سه قوه باید چنان رابطه‌ای را با یکدیگر شکل دهند که در امور ملی و آنجا که منافع عموم مطرح است دچار افتراق نظر نشوند. هنگامی که مجلس غیر حزبی و متشکل از افراد منزوی شکل می‌گیرد، طبیعی است که مسئولیت‌پذیری در برابر تصمیمات آن کم می‌شود. در سالی که انتخابات است، بی‌اعتبار کردن مجلس از حیث انجام مهم‌ترین وظیفه‌اش یعنی، قانون‌گذاری عادی و درنتیجه مجلس به نفع جامعه نیست. مجلس در لغت به معنای محل نشستن است، به نظر می‌رسد که کم‌کم وظیفه اصلی نمایندگان همان نشستن روی صندلی‌های نرم و احیاناً نوش جان کردن گلابی است!

۶۰ درصد دانشجویان پزشکی ایران، سهمیه‌ای‌اند

مقام وزارت بهداشت: سهمیه آزاد در رشته‌های پزشکی در کشور به زیر ۴۰ درصد می‌رسد.

بیش از ۶۰ درصد دانشجویان پزشکی در ایران، سهمیه‌ای هستند.

قائم‌مقام معاون آموزشی وزیر بهداشت با تأکید بر اینکه بیش از ۶۰ درصد دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی بر اساس سهمیه وارد دانشگاه‌ها می‌شوند، گفت: متأسفانه پیگیری‌های وزارت بهداشت در این زمینه تاکنون بی‌نتیجه مانده است.

به گزارش عصر ایران، دکتر حمید اکبری در گفت‌وگو با ایسنا ضمن بیان این مطلب از وضعیت سهمیه‌های پذیرش در رشته‌های پزشکی انتقاد و اظهار کرد: وجود سهمیه‌های متعدد برای پذیرش در گروه علوم پزشکی یکی از عوامل چالش‌برانگیز در نحوه ورود دانشجویان در دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه‌های علوم پزشکی است. چراکه بر اساس قانون مجلس ما با موضوع ۳۰ درصد عدالت آموزشی که مختص رشته‌های گروه علوم پزشکی است، مواجه هستیم و در رشته‌های دیگر این وضعیت وجود ندارد و علاوه بر این میزان ۳۰ درصد نیز سهمیه‌های دیگر شهدا، رزمندگان و ایثارگران و ۵ درصد سهمیه نیز به خانواده‌های آنان تعلق می‌گیرد و متأسفانه این چالش بسیار نگران‌کننده است.

وی با تأکید بر اینکه بیش از ۶۰ درصد دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی بر اساس سهمیه وارد دانشگاه می‌شوند، تصریح کرد: به‌طورکلی سهمیه آزاد در رشته‌های پزشکی در کشور به زیر ۴۰ درصد می‌رسد، این وضعیت در سه رشته پر متقاضی علوم پزشکی یعنی دندانپزشکی، داروسازی و پزشکی وجود دارد و بیش از ۶۰ درصد دانشجویان ما در این رشته‌ها نیز بر اساس سهمیه وارد دانشگاه‌ها می‌شوند، بنابراین ما نگران کیفیت آموزش در بین این دانشجویان هستیم. قائم‌مقام معاون آموزشی وزیر بهداشت تأکید کرد: در حال حاضر اگر ۱۰ هزار نیرو در سه رشته پزشکی، داروسازی و دندانپزشکی جذب دانشگاه‌های علوم پزشکی کنیم، ۶۰۰۰ نفر آنها بر اساس سهمیه وارد می‌شوند و وزارت بهداشت این موضوع را با جدیت از طریق مجلس پیگیری می‌کند، چراکه یکی از مسائل مهم و نگران‌کننده در نحوه ورود دانشجویان گروه علوم پزشکی به شمار می‌رود.

اکبری اعمال سهمیه برای ورود به دانشگاه‌های علوم پزشکی را نوعی بی‌عدالتی آموزشی توصیف کرد و افزود: در حال حاضر ظرفیت برخی از سهمیه‌ها در رشته‌های علوم پزشکی که به مناطق محروم اختصاص‌یافته، در حال پر شدن است که البته آن سهمیه نیز نیازمند بازنگری است؛ اما به‌طورکلی ما نیازمند بازنگری اساسی در سهمیه‌های پزشکی هستیم، ضمن اینکه دانشگاه‌ها نیز نگران این موضوع هستند.

وی در پایان تأکید کرد: متأسفانه پیگیری‌های وزارت بهداشت برای اصلاح و تجدیدنظر در اعمال سهمیه دانشجویان برای ورود به رشته‌های پزشکی از مجلس شورای اسلامی تاکنون نتیجه‌ای نداده است.

از هر دری کلامی

حاشیه‌ای بر سخنان احمد خاتمی؛

صداوسیما برای رونق نماز جمعه کافی است؟

امام‌جمعه موقت تهران گفته است: «رسانه‌ها خوشحال نباشند که نماز جمعه خلوت شده است. الحمدالله صداوسیما در میدان است» اما آیا صداوسیما کفایت می‌کند؟

عصر ایران؛ مهرداد خدیر- «رسانه‌ها چه مکتوب چه فضای مجازی، نماز جمعه را تخریب نکنند، خوشحال نباشند که نماز جمعه خلوت شده است. الحمدالله صداوسیما در میدان است.»

این سخنان را آقای سید احمد خاتمی در چهلمین سالروز اولین نماز جمعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (پنجم مرداد ۱۳۵۸ به امامت آیت‌الله طالقانی) در خطبه‌های نماز جمعه تهران (چهارم مرداد ۱۳۹۸) ایراد کرده است.

نویسنده این سطور که آیت‌الله طالقانی را از پیش از انقلاب می‌شناخت و در نوجوانی در اولین نماز جمعه تهران حاضر شد و هنوز پس از ۴۰ سال آن صدای گرم، آن سرفه‌های ناشی از سال‌های حبس و تبعید، آن حضور دومیلیونی (نصف جمعیت آن روز تهران) و آن‌همه تنوع سیاسی شرکت‌کنندگان و رجال و آن جدا نساختن مردم از مقامات را به خاطر دارد و در کام‌ها همچنان شیرین است.

بنابراین نکاتی که در ادامه خواهد آمد از زبان کسی نیست که با نماز جمعه در حال و هوای ۵۸ بیگانه باشد.

۱. مشخص نیست منظور از «تخریب نماز جمعه» چیست؟ این‌که گفته شود چرا زمانی دو میلیون نفر به نماز جمعه می‌رفتند و اکنون این تعداد بسیار کمتر شده تا آسیب‌شناسی شود آیا تخریب به‌حساب می‌آید؟ ضمن این‌که گمان نمی‌کنم تاکنون به این صراحت واژه «خلوتی» به‌کاررفته باشد.

این‌که گفته شود روزگاری امامان جمعه در حد آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله منتظری و آیت‌الله خامنه‌ای یا هاشمی رفسنجانی یا رئیس یکی از قوای سه‌گانه بودند و اکنون دست‌کم درباره امامان جمعه موقت چنین نیست، آیا تخریب نماز جمعه است؟

۲. در دهه ۶۰ شنیدن خطبه‌های هاشمی رفسنجانی حتی برای منتقدان نظام اهمیت داشت و جمعه‌ها میلیون‌ها شنونده داشت. آقای احمد خاتمی آیا می‌دانند اکنون به‌جز اهل رسانه که به اقتضای کار اطلاع‌رسانی خطبه‌های ایشان را مستقیماً گوش می‌دهند دیگران تا چه میزان پیگیری می‌کنند؟

۳. تقسیم رسانه‌ها به مکتوب و مجازی ازیک‌طرف و صداوسیما در جانب دیگر هم جالب است. این‌که مکتوب‌ها و مجازی‌ها از خلوت شدن نماز جمعه خوشحال‌اند؛ ولی صداوسیما خوشحال نیست و مردم را تشویق می‌کند نیز از آن دست ادعاهاست که در اصطلاح اهل منطق یا فلسفه به آن «ادعای مرکب» می‌گویند؛ یعنی اول باید ثابت کنید که گروه اول خوشحال‌اند تا بر اساس آن ثابت کنید این خوشحالی به‌قصد تخریب است و دوم این‌که ثابت کنید ربط آن با صداوسیما چیست؟

اول که خبر را شنیدم پنداشتم ایشان می‌گوید اگر رسانه‌های مکتوب و مجازی خلوت نشان می‌دهد صداوسیما لابد ناخلوت و پرازدحام نشان می‌دهد و این عجیب به نظر می‌رسید و بعد که متن کامل را دیدم دانستم منظور این است که صداوسیما تشویق می‌کند.

منتها همین‌که گزاره واقعی «خلوت شدن نماز جمعه» را در سخنان خود آورده‌اند قابل‌توجه است.

۴. خلوت شدن نماز جمعه اما دلایل متعددی دارد و بی‌آنکه بحث خوشحالی یا ناخوشحالی در میان باشد این نکات را می‌توان برشمرد:

نخست این‌که امامان جمعه، دیگر مقامات رده اول کشور نیستند و این قاعده درخصوص امامان جمعه موقت بیشتر صدق می‌کند.

دوم این‌که مضامین خطبه‌ها خصوصاً وقتی افرادی چون آقای احمد خاتمی در تهران یا علم‌الهدی در مشهد سخن می‌گویند غالباً تکراری و از پیش قابل حدس است. انتقاد از بی‌حجابی و موسیقی مضمون ثابت در هفته‌های مختلف و به نسبت گرم و سرد شدن هوا یا برگزاری کنسرت‌هاست به‌اضافه توصیه به دولت برای رسیدگی به فقرا و جمله خاصی که نشان بدهد مطالعه ویژه‌ای انجام شده کمتر شنیده می‌شود و ازاین‌رو جذابیت گذشته را ندارد و از پیش قابل حدس است. از همه جالب‌تر خطاب قرار دادن پلیس برای برخورد است. حال‌آنکه مخاطب روحانی باید مؤمنین باشد و در خطبه نمی‌توان دستور برخورد صادر کرد.

هرچه موضع رسمی باشد همان را تکرار می‌کنند و حتی کلمات و تعابیر شبیه هم‌اند و نظر شخصی مانند آنچه از خطبه‌های مرحوم دعاگو امام‌جمعه فقید لواسانات می‌شنیدیم کمتر ابراز می‌شود.

انگیزه حاضران البته بیشتر یا اعلام وفاداری سیاسی است یا کسب ثواب مذهبی یا انجام مأموریت اداری (در مواردی که سازماندهی‌شده شرکت داده می‌شوند) و اگر در پایان از حاضران پرسیده شود بعید است نکته افزودنی تازه‌ای دریافت کرده باشند. البته به‌عنوان میتینگ سیاسی یا نشست و اجتماع مذهبی به لحاظ حضور احساس قناعت و رضایت می‌کنند و می‌دانیم مراسم عبادی یا سیاسی تنها به‌قصد استماع سخنرانی نیست و صرف حضور یا نشان دادن حضور نیز برای برخی کفایت می‌کند اما بازهم بهتر است سخنران قبلاً مطالعه کرده باشد و روزنامه‌های خاص و بولتن‌ها را کافی نداند.

دلیل سوم این‌که میان گرایش سیاسی امام‌جمعه با اکثریت رأی‌دهندگان تفاوت ایجادشده است؟ طالقانی نفر اول انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی بود. پس در جایگاه امام‌جمعه تهران صدای اکثریت را هم انعکاس می‌داد.

آیت‌الله منتظری هم نفر دوم همان انتخابات بود و سومین امام‌جمعه (آیت‌الله خامنه‌ای) در انتخابات مجلس شورای اسلامی در میان ۵ نفر اول بودند.

اکنون اما آقای احمد خاتمی هرچند عضو خبرگان است اما به گرایشی تعلق دارد که نه در انتخابات ریاست جمهوری و نه در مجلس شورای اسلامی نه در شوراها در تهران موفق نبودند و طبیعی است که صدای اکثریت از این تریبون شنیده نشود.

۵. شیفتگی ایشان به صداوسیما هم جالب است. همچنان این نگاه در صاحب‌منصبان ما غالب است که صداوسیما را بر رسانه‌های دیگر ترجیح می‌دهند و دل به آمارهایی خوش می‌دارند که نشان‌دهنده استفاده مردم از برنامه‌های صداوسیماست. در پشت‌صحنه‌ای از برنامه تلویزیونی «عصر جدید» هم دستیار احسان علیخانی بادی به غبغب انداخت و گفت تعداد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی ما و امتیازدهی به شرکت‌کنندگان را با فالوورها یا دنبال کننده‌ها در فضای مجازی مقایسه کنید تا همچنان معلوم شود هیچ‌چیز جای «رسانه ملی» را نمی‌گیرد. این قاعده شاید درباره برنامه‌های سرگرم‌کننده به خاطر رایگان بودن استفاده از صداوسیما و کمبود یا پرهزینه بودن مکان‌های تفریحی صدق کند اما آیا واقعاً امام‌جمعه موقت تهران تصور می‌کنند به‌صرف تبلیغ و تشویق در صداوسیما مردم برای شرکت در نماز جمعه انگیزه پیدا می‌کنند یا زمینه‌های دیگری باید فراهم آورد؟